

متن پیاده سازی شده جلسه شصت و ششم سال چهارم درس خارج فقه القضا 30 بهمن ماه 1400

بسم الله الرحمن الرحيم

پاسخ به سوال مطرح شده از سوی فضیای درس

سوال: گفته شده است خداوند متعال روزی اهل علم را تضمین می‌کند و حال اطلاع داریم برخی از آن‌ها مشکلات معیشتی دارند؛ بنابراین چگونه باید جمع کنیم؟

جواب:

اولاً: آن چه در روایات آمده است اگر رزق باشد؛ نه این که هرچه احتیاج ما هست یا احتیاج نمای ما باشد را باید خداوند متعال کفالت کند البته بررسی سندی هم باید بشود این روایت ظاهراً مرسله است.

ثانیاً: تمام این امور در حد اقتضاء می‌باشد، عالم اسباب و مسببات را فراموش نکنیم؛ اگر به خاطر درس خواندن یا قحطی یا تحولات جهانی یا ندانم بکاری دیگران در حق او و امور متعدد دیگر، رزق انسان ضیق بشود این ربطی به خداوند متعال و حکیم ندارد و این ضمانت در روایات و ادله را علت تام نباید بپنداریم. بله خداوند متعال گشایشی در رزق طالب علم قرار می‌دهد البته اگر طالب علم منظور همین دروس حوزه باشد که در این مطلب بحث است.

به عبارت دیگر خداوند متعال و حکیم در قالب پیام اخلاقی توحیدی می‌فرماید: طالب علم چشم تو به دست دیگران نباشد مثل برخی که عالم دربار و نفت و مقام هستند، مباش. بنابراین برای این که خداوند علیم و حکیم بخواهد بفهماند به برخی انسان‌ها؛ همه چیز دست شما نیست به بعضی از انسان‌ها که فراست و تدبیر آن چنانی نیز ندارند، مال می‌بخشد.

ضمناً در بحث استحباب التفقه فی مسائل التجارة در آخر بحث بیع مکاسب شیخ انصاری مطالبی ارزنده هست که ان شاء الله مطالعه می‌فرمایید.

درس اخلاق؛

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِنْهُ.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مِنْ أَشَدِّ عُيُوبِ الْمَرْءِ أَنْ تَخْفَى عَلَيْهِ عَيْبُهُ.

بزرگترین یا بیشترین عیب در انسان این است که عیبی که در خودش وجود دارد را برای دیگران بیان کند.

نیز در حدیث دیگر آمده است: از بدترین عیبها و خطرات انسان این است که عیب شخص نزد خودش، پنهان باشد. البته باید مد نظر داشته باشیم که مرء فقط به معنای انسان نیست بلکه هر نهاد، کشور و حاکمیت را هم شامل می‌شود چونکه این کلام عقلی است نه تعبیدی.

بزرگواران انسان بیشترین دروغ را به خودش می‌گوید: یعنی سازنده و شنونده و عمل کننده به آن دروغ شخص واحد است. تعریف از کار خود و تحقیر کار دیگران و گفتمان این گونه‌ای داشتن از مصادیق روایت شریف است. استبداد را بیشتر ما نسبت به حکومت های ستمگر و ظالم و بزرگ فامیل می‌دانیم حال این که بیشترین استبداد را از ناحیه خود باید جست و جو کنیم.

استبداد یعنی: مانع اطلاع رسانی به عموم مردم بودن را استبداد گویند حال مستبد هرکه باشد( انسداد اطلاع رسانی).

استبداد گاه در فرد و گاه در نهادی و گاه در حاکمیت است. بنابراین می‌شود گفت: من اشد عیوب الحاکمیت ان تخفی علیها

عیوبها. خانم هانا آرنه - مورخ و فیلسوف آلمانی قرن 20- می‌گوید: در نظام های دیکتاتوری همه چیز تا قبل از فروپاشی سر جای خودش است. مانند آن رهبر دیکتاتور رومانی که به ایران آمد ولی در جشن پیروزی سالانه در جمع مردم کشورش دستگیر شد.

این وضع حکومت ها و گاهی برای اشخاص این‌گونه می‌شود؛ انسان از درون تهی شده است ولی از بس به خودش دروغ گفته و استبداد داشته عیب هایش مخفی مانده‌است.

اگر خود را پیرو و شیعه‌ی امیر حکمت و بیان می‌دانیم باید هر چند وقت یکبار به خود سرک بزنیم و خود را بررسی کنیم؛ عملی که مرحوم شیخ جعفر کاشف الغطاء می‌نمودند و در دل شب به محاسبه خود می‌پرداختند.

**ادامه گفتگو از محور اول؛ قاعده درأ و شرائط شهود و قسامه**

قاعده درأ در ذیل اثبات دعوی نیست بلکه سلب دعوی است. قاعده درأ در دعاوی حقوقی مطرح نیست بلکه در امور کیفری شناخته شده است اما در اصل و گستره آن اختلاف است.

خود سلبی بودن قاعده درأ اولین جلوه افتراقی قضاوت در اسلام است. برخی قاعده را نیز از افتخارات اسلام می‌دانند، که بماند!

قاعده درأ از نظر موقعیت به راحت ادعای اتفاق را برایش می‌شود پیدا نمود(جواهر الکلام، ریاض و مفتاح الکرامه). مخالفین یک نفر از شیعه محقق خوبی و از اهل تسنن ابن هزم زاهری. البته آقای خوبی نیز به عنوان قاعده مخالف است ولی از تطبیقات و تعینات آن استفاده می‌کنند؛ مثل پذیرفتن جهل در حدود، ایشان هم جهل به حکم و موضوع را مُسقط حکم می‌دانند، بنابراین عملاً در موارد زیادی قاعده درأ را پذیرفته‌اند.

قانون گذار در ماده 217 از قانون مجازات می‌گوید: در جرائم موجب حد وقتی مسئول است که آگاه به حرمت باشد؛ ولی در 218 می‌گوید: اگر متهم بدون دلیل بگوید من نمی‌دانستم و قصد نداشتم از او پذیرفته می‌شود بدون تحقیق و تفحص، اقراری که نمودم در فضای ارباب و تهدید بوده است.